

بررسی رابطه بین شکاف نسلی با هویت سیاسی-اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز)

فاطمه پورشریف^۱، محمدباقر اکبرپور زنگلانی^۲

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور، تهران - ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شکاف نسلی با هویت سیاسی-اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز صورت پذیرفت، جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز به تعداد ۱۸۲۲۲ نفر بود، با استفاده روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم تعداد ۳۸۶ نفر به عنوان نمونه با استفاده از جدول مورگان جهت مطالعه انتخاب شدند، روش تحقیق پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود ابزار گردآوری داده های پژوهش پرسشنامه استاندارد افضلی و همکاران (۱۳۹۸) بود. تجزیه و تحلیل داده های با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن در نرم افزار آماری SPSS صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که بین شکاف بین نسلی و هویت سیاسی-اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بر این اساس از جمله عواملی که می توان در راستای مدیریت هویت سیاسی-اجتماعی دانشجویان مورد توجه قرار داد اثرات شکاف بین نسلی می باشد.

واژه های کلیدی: شکاف بین نسلی، هویت سیاسی، هویت اجتماعی، دانشجویان، دانشگاه تبریز

مقدمه

هویت هر جامعه‌ای زائیده فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ خود متشکل از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر رفتار افراد است. از بین این عناصر، می‌توان گفت ارزش‌ها بیشترین نقش را در رفتار فرد ایفا می‌نمایند. ارزش‌ها در بعد روانی و فردی مهم‌ترین منبع برای جهت‌گیری درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌ها هستند که فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری آن‌ها را می‌آموزد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد و ارزش‌ها به جهت ذهنی، رفتار افراد و داوری‌های آنان را نسبت به تمامی امور متأثر می‌سازند. بررسی ارزش‌های نسل جوان و بزرگسال و شکاف بین آنها موضوع بحث و بررسی دیرینه و مشترک جامعه‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، صاحب‌نظران علوم تربیتی و مردم‌شناسان فرهنگی بوده است. در جامعه‌شناسی بررسی شکاف بین نسل‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا یکی از موارد و موضوعات مورد مطالعه در علم جامعه‌شناسی مطالعه رفتار انسان‌هاست و کنش‌ها و رفتارهای بین نسل‌ها، آگاهانه یا ناخود آگاه بر اساس ارزش‌های درونی آنان صورت می‌گیرد (فلاحی، ۱۳۹۳).

در دو دهه اخیر، با تغییرات ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی هم چون صنعتی شدن، افزایش میزان شهرنشینی، افزایش میزان تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه، زمینه مساعدی برای بروز تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌های اقشار جامعه ایرانی به وجود آورده است (ربیعی، ۱۳۹۷). نسل جوان نیازهایی را جستجو می‌کند که متفاوت از نسل قدیم است. این امر ناشی از دگرگون شدن ارزش‌ها به واسطه‌ی تحولاتی بود که تمام ابعاد زندگی را به‌طور بی‌سابقه‌ای تحت تأثیر خود قرارداد و محیطی متفاوت را برای پرورش نسل جدید فراهم کرد؛ در نتیجه نسل جدید، نسلی متفاوت از گذشتگان خویش است. کشورهایی در حال توسعه از این دگرگونی‌ها در امان نماندند و شکل‌های کم‌وبیش متفاوتی از آن تجربه کردند (مفیدی، ۱۳۹۶). ایران نیز به‌مثابه‌ی یکی از کشورهای در حال توسعه، ناظر اتفاقات مهمی طی سه دهه‌ی آخر قرن بیستم بوده است. برخی از این تغییرات در حیطه‌ی شناخت و تغییرات شکاف دو نسل بزرگسال و جوان بوده است (سرود، ۱۳۹۳).

در دوران گذشته انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر را مشارکت روزمره کودکان در زندگی بزرگ‌ترها تضمین می‌کرد و هرکجا که مردم کار می‌کردند و نیز هرکجا که به تفریح و سرگرم‌کننده خود می‌پرداختند، کودکان با بزرگ‌ترها مختلط بودند و به‌این ترتیب هنر زندگی کردن را از روی تماس‌های روزمره می‌آموختند (فرزانه و چراتی، ۱۳۹۰)، اما در پی وقوع انقلاب صنعتی و فرآیند نوسازی جوامع صنعتی و جوامع در حال توسعه، تداوم تاریخی و ساختاری نسل‌ها دچار تغییر و تحول شد به‌طوری‌که در پی روند نوسازی، ابتدا جوامع پیشرفته و سپس جوامع در حال پیشرفت، تغییرات سریع و شدید و حوادث بزرگ مقطعی و تاریخی، نظیر جنگ‌ها، جنبش‌ها و انقلابات اجتماعی را تجربه کردند که سبب شد بین اجتماع سنتی دیروز در جامعه مدرن امروز، شکاف وسیع و عمیقی به وجود آید (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵)، به‌طوری‌که برخی اندیشمندان علوم اجتماعی بر این نظرند که در فرآیند استقرار مدرنیته و گذار جامعه سنتی به جامعه‌ی مدرن، بسیاری از عناصر مهم سنتی ساختار فرهنگی جامعه درهم‌شکسته می‌شوند و عناصر و ساختارهای جدیدی جایگزین آن‌ها می‌شود که یکی از ابعاد مهم این تغییر و تحولات فرهنگی در جامعه، تغیر ارزش‌های سنتی و مدرن در بین جوانان و بزرگسالان می‌باشد (زاهدی و خضر نژاد، ۱۳۹۲) که به باور پژوهشگران، استمرار یک جامعه به‌وسیله فرآیند جامعه‌پذیری که سنت اجتماعی نسل‌های پیشین را به نسل‌های جدید انتقال می‌دهد، تأمین می‌شود، لیکن جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست، یعنی نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند. بلکه این تکرار همواره با انتقاد، رد برخی از جنبه‌های سنتی و نوآوری همراه است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶). آنچه از نسل گذشته به‌عنوان ارزش مطرح گردیده تا دوران نوجوانی به‌عنوان باید و نبایدها زندگی، خود را نمایان می‌سازد و از مرحله نوجوانی به بعد با دیده‌ی شک و تردید به آن‌ها نگریسته می‌شود و نوجوان با حساسیت و تأمل فراوان به آن‌ها نگاه می‌کند (کمر بیگی، ۱۳۸۹)؛ اما در جامعه در حال توسعه‌ای مانند جامعه ایران تغییرات گسترده‌ای را تحت تأثیر فرآیند نوسازی تجربه می‌کند، رویدادهایی چون انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، تحولات

سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی و جریانات دیگر را شاهد بوده جامعه را در دوره‌های مختلف دستخوش تغییرات بنیادین قرار داده است که پیامدهای فراوانی را برای جامعه داشته است. چالش‌هایی که مابین ارزش‌های سنتی و مدرن و همچنین ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن، تحولات عمیق و گسترده سیاسی و پیدایی طبقه متوسط پرشمار شهری/روستایی، افزایش بی‌سابقه مصرف کالاها جدید، تحولات ساختاری در ترکیب جمعیت و بالا رفتن نسبت جمعیت جوان کشور، تحولات اساسی در مرجعیت فرهنگی جامعه از طریق گسترش شبکه‌های ویدئویی و تلویزیونی، ماهواره‌ای، گسترش شبکه اینترنت در سال‌های اخیر و... همگی به‌صورت عواملی درآمده‌اند که موجب شده‌اند تغییرات ارزشی جامعه ایران با شدت و حدت بیشتری نمایان شود و جامعه را در وضعیت در حال گزار قرار داده است. بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که یکی از معضلات کلیدی و مهمی که اینک جامعه ایران با آن روبروست، عدم برقراری رابطه و تعامل منطقی میان نسل‌های مختلف است (بایاری و حسینی، ۱۳۹۱). شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی، و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل را هم زمان در یک جامعه بررسی می‌کند. موضوع شکاف نسلی از دیرباز از سوی علمای اجتماعی به ویژه روان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، مردم‌شناسان فرهنگی، علمای سیاسی، و جامعه‌شناسان بحث و بررسی شده است. شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود. از آن جا که انتقال فرهنگی بین انتقال کامل، یعنی بدون هیچ تفاوتی میان والدین و فرزندان، و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ گونه تشابه بین این دو نسل، قرار دارد، اگر به هر یک از این دو شکل صورت گیرد، نوعی آسیب برای جوامع به شمار می‌آید، چرا که انتقال کامل اجازه نوآوری و تغییر و واکنش به موقعیت‌های جدید را به نسل جدید نمی‌دهد و در این صورت نسلی نو با مفهوم واقعی جامعه شناختی، که دارای تفاوت‌ها و نگرش‌های خاص خود باشد، پدید نمی‌آید. انتقال کاملاً ناقص هم اجازه کنش هماهنگ بین نسل‌ها را نمی‌دهد (موسوی، ۱۳۹۱). یکی از حوزه‌هایی که شکاف بین نسلی می‌تواند بر آن تاثیر گذار باشد هویت سیاسی- اجتماعی است.

موضوع و ماهیت هویت یکی از مهم‌ترین مسائل چالش برانگیز در زندگی هر انسانی است. طرح پرسش‌ها و مباحثی در باب هویت و ابعاد آن، آینده هویتی جوامع در ابعاد متفاوت آن و معضلات پیش روی آنها، از جمله نیازهای اساسی و ضروری به نظر می‌رسد (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۰). فرایند تغییر و تحول همیشه زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده است. در گذشته این روند به دلیل سرعت کم، تاثیرات کمتری نیز در پی داشت، ولی امروزه این فرایند سرعت گرفته است. گسترش وسایل ارتباط جمعی سبب انتقال فرهنگ در سطح وسیع شده و در جهت حذف مرزهای نظام فرهنگی عمل می‌کند. که پیامدهای مثبت و منفی نیز در پی خواهد داشت. این تغییرات و دگرگونی‌های عظیم هر چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد و خصوصاً به قلمرو فعالیت‌های فردی و شکل‌گیری "خود" راه می‌یابد و به دنبال آن مسائل مربوط به هویت افراد مطرح می‌شود (عباسی، ۱۳۸۸). وجه تمایز بین کشور‌های توسعه یافته و در حال توسعه در آن است که بحران هویت را پشت سر نهاده اند. به عقیده هربرت مید (۱۹۹۰) هر فرد هویت خود را از طریق سامان دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان یافته‌ی اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد، با این تفاسیر می‌توان بیان نمود که هویت ملت ایران، پیش نیاز هر نوع موفقیت، بویژه تحقق چشم‌انداز بیست ساله کشور است (گل محمدی، ۱۳۸۳؛ قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹).

از لحاظ لغوی واژه هویت در دو معنای متناقض به کار می‌رود: ۱. همانی و یکنواختی مطلق، ۲. تمایزی که در بر گیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است. گرچه دو معنای هویت متناقض و متضاد به نظر می‌رسد، در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف است. اکثریت قریب به اتفاق نظریه پردازان هویت بر سر هر دو معنا آن اتفاق نظر دارند (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶؛ حسین زاده، ۱۳۸۸). هویت به مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه مولفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی اطلاق می‌شود که شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگ دیگر را ممکن می‌سازد (میرهاشمی و حیدرپور، ۱۳۹۰). هویت مرز میان فرد با دیگران است لذا موارد اشتراک فرد و دیگران نیست (ابوالحسنی، ۱۳۸۸). می‌توان هویت را به مثابه شالوده‌ها و سازه‌های اجتماعی دانست که در فرایند شالوده ریزی یا سازه‌گرایی اجتماعی به وجود می‌آیند و با تکیه بر حافظه جمعی و تمامی منابع معرفتی، با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی در طول زمان

بازتعریف و بازتفسیر می شوند. از این رو، در فرایند شکل گیری هویت ها، پدیده معرفتی، ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، جغرافیا، ساختار سیاسی و اقتصادی و فناوری نقش بسزایی دارند (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۱). اولین روانشناسی که ایجاد هویت را مهمترین عامل پیشرفت شخصی در دوره نوجوانی دانسته و آن را گامی حیاتی در جهت نیل به حیاتی شادمانه و مولد معرفی کرده اریک اریکسون است (مدیسون و پاتریج، ۲۰۱۴؛ اسنو و کوریگال براون، ۲۰۱۵). از نظر اریکسون موفقیت در زندگی و دستیابی به اهداف و آرمان های انسانی در دوران نوجوانی و جوانی روی می دهد. فرد در دوران نوجوانی و جوانی، ارزش ها، باورها، داوری ها و هنجارهای مورد قبول خانواده و جامعه را زیر سوال می برد و در جست و جوی راه حل و پاسخ های مناسب به کندوکاو می پردازد. نتایج موفقیت آمیز فرایند رشد روانی و اجتماعی در دوران کودکی، امکان حل تعارضات روانی و اجتماعی را در مراحل بعدی زندگی به فرد می دهد. لذا در مقابل آشفتگی و بحران هویت، فرایند شکل گیری هویت و انسجام هویتی قرار دارد (لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳؛ جعفری و مهرداد، ۱۳۹۱). از دیگر نظریه پردازان عرض هویت هنری تاجفل (۱۹۷۲، ۱۹۸۷) می باشد که شکل گیری هویت اجتماعی در چارچوب تعلقات گروهی را (درون گروهی - برون گروهی) بررسی کرده است. او اعتقاد دارد که انسان ها دارای یک نیاز روانی به تعلق داشتن به گروه ها و تقسیم افراد به "ما" و "آنها" دارند و به این وسیله می توانند جهان بزرگ و پیچیده را تا حدودی برای خودشان ساده تر و قابل فهم تر کنند. نوآوری تاجفل در این است که هویت را در سه بعد در نظر می گیرد:

- آگاهی (بعد شناختی): به میزانی از آگاهی و یا درک نسبت به مشترکات مانند خاطرات مشترک، میراث فرهنگی، ... اشاره دارد.

- احساسی (بعد عاطفی): علاقه و جذب به درون گروه است که با نوعی احساس تعهد همراه است، نوعی احساس وظیفه نسبت به دیگران و وفاداری به ارزش ها و اهداف و انتظارات و... ظرفیت های آن و منش این تعهد، علاقه، وابستگی و دلبستگی عاطفی است.

آمادگی برای عمل (بعد رفتاری): منظور از این بعد، آمادگی برای عمل در یک زمینه رقابتی بین گروهی است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ لیوینگستون و همکاران، ۲۰۰۹؛ وایشینگ، ۲۰۱۳).

در این راستا در میانی نظری هویت سنتی، هویت سیاسی در برناردنده عدم تفکیک دین و دولت، اقتدار ملی، فرد و شهروند، حوزه عمومی و خصوصی، سیاست حزبی دینی و محافظه کاری است، اما در هویت مدرن، هویت سیاسی تفکیک دین و دولت، جامعه مدنی و دولت، سیاست حزبی لیبرال، سوسیالیست غیره، تفکیک حوزه عمومی و خصوصی و غیره می باشد، در راستای هویت اجتماعی در هویت سنتی در برناردنده شاخص هایی همچون فقدان هویت جنسی، آداب و رسوم سنتی، روابط خویشاوندی، فراغت محدود، مرجعیت خدا، پدر و غیره و در هوست مدرن شاخص هایی همچون تاکید بر هویت جنسی، سبک زندگی متنوع، اوقات فراغت متنوع و فردی را شامل می شود (صدیق روستایی و قادری، ۱۳۸۸).

بنابراین با توجه به آنچه اشاره شد می توان گفت جامعه ایران در مرحله گذار تاریخی - اجتماعی خود قرار دارد و جامعه ای که در این مرحله قرار دارد استعداد و آمادگی بیشتری برای ایجاد تضاد و شکاف ارزش های نسل جوان و بزرگسال دارد؛ اما در حال حاضر به دلایل مختلفی شاهد رشد بیش از پیش این شکاف و عدم توجه کافی به هنجارها و ارزش های اجتماعی و عدم تعامل مناسب بین جوانان و بزرگسالان هستیم این مهم می تواند نقش موثری در هویت سیاسی - اجتماعی جوانان از جمله دانشجویان داشته باشد، بر این اساس پژوهش حاضر تلاش دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا شکاف بین نسلی با هویت سیاسی - اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری دارد؟

^۱. Henri Tajfel

روش پژوهش

از آنجایی که در تحقیق حاضر سعی شده است که به بررسی و توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص توجه و کمک شود، می‌توان آن را از لحاظ هدف تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی به شمار آورد. ملاک دیگر در تقسیم‌بندی روش‌های تحقیق بر حسب نحوه گردآوری شده داده‌ها می‌باشد که براساس این ویژگی، تحقیق حاضر را می‌توان از نوع تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی به حساب آورد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز به تعداد ۱۸۲۲۲ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری تصافی طبقه‌ای متناسب با حجم بود، تعداد ۳۸۶ نفر به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند، برای برآورد حجم نمونه آماری از جدول مورگان بهره گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش پرسشنامه استاندارد مورد استفاده در پژوهش افضلی و همکاران (۱۳۹۸) بود، پرسشنامه مذکور شامل ۲۵ سوال بود، که در قسمت در قالب ۵ سوال شکاف بین نسلی، در قسمت دوم در قالب ۱۱ سوال هویت اجتماعی و در قسمت سوم در قالب سوال هویت سیاسی مورد سنجش قرار می‌گیرد. طیف مورد استفاده در پرسشنامه طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تایید اساتید راهنما و متخصصان قرار گرفت، پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای شکاف بین نسلی ۰/۷۵، هویت اجتماعی ۰/۹۰ و هویت سیاسی ۰/۸۴ به دست آمد. انجام این پژوهش دو مرحله قابل تقسیم می‌شود.

مرحله اول طرح پژوهش تا اجرا پرسشنامه: در این مرحله از اجرای پژوهش اقدامات لازم به منظور اجرای پژوهش فراهم گردید، لذا اقدامات انجام شده در این مرحله شامل موارد زیر می‌باشد: تدوین مبانی نظری طرح (مطالعه کتابخانه از منابع فارسی و لاتین)، تهیه پرسشنامه مورد نیاز پژوهش، تعیین روایی و پایایی ابزار که بر اساس نظرات متخصصان و مطالعات مقدماتی صورت گرفت.

مرحله دوم (اجرای پرسشنامه): در این مرحله که مرحله‌ی اجرای پژوهش و گردآوری داده‌های مورد نظر است، مرحله‌ی مطالعه میدانی نام دارد. در این مرحله پس از تعیین حجم نمونه بر اساس شاخص‌های علمی اقدام به توزیع پرسشنامه گردید و با حضور مستمر پژوهشگر پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شد، سپس اقدام به تجزیه و تحلیل با توجه به استاندارد‌های موجود شد و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده بحث و نتیجه‌گیری کلی تحقیق تدوین شد.

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS23 در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح آمار توصیفی از آماره‌هایی نظیر میانگین و انحراف استاندارد استفاده خواهد گردید. و در سطح آمار استنباطی با به غیر نرمال بودن داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن بهره گرفته شد. برای بررسی نرمال بودن داده‌های گردآوری شده از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. هدف از انجام این آزمون این است که مشخص شود آیا داده‌ها از وضعیت نرمال برخوردارند یا نه.

جدول (۱) نتیجه آزمون کالموگروف - اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار Z	سطح معناداری
شکاف بین نسلی	۳/۰۷	۰/۴۷	۱/۴۳	۰/۰۳
هویت اجتماعی	۳/۱۲	۰/۵۳	۱/۴۲	۰/۰۳
هویت سیاسی	۳/۰۳	۰/۵۷	۱/۲۴	۰/۰۹

با توجه به نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنوف در جدول (۱) می‌توان اظهار نمود که اکثر متغیرهای پژوهش غیرنرمال می‌باشند؛ زیرا سطح معناداری کلیه مقادیر Z در هریک از متغیرها کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد ($p > 0.05$).

فرضیه اول: بین شکاف بین نسلی و هویت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۲) بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و هیجانات تحصیلی

رابطه متغیرها	هیجانات تحصیلی
الگوهای ارتباطی خانواده	ضریب همبستگی ۰/۵۶
	سطح معناداری ۰/۰۰۰۱
	نتیجه تایید
	تعداد ۳۸۶

براساس نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول (۲)، بین شکاف بین نسلی و هویت اجتماعی ($p=0/0001$) و $r=0/56$) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($p<0/01$).

فرضیه دوم: بین شکاف بین نسلی و هویت سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۳) بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و هیجانات تحصیلی

رابطه متغیرها	هیجانات تحصیلی
الگوهای ارتباطی خانواده	ضریب همبستگی ۰/۵۸
	سطح معناداری ۰/۰۰۰۱
	نتیجه تایید
	تعداد ۳۸۶

براساس نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول (۳)، بین شکاف بین نسلی و هویت سیاسی ($p=0/0001$) و $r=0/58$) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($p<0/01$).

بحث و نتیجه گیری

با ورود روز افزون عناصر مدرن به زندگی افراد، مرزهای هویتی تحت تاثیر قرار گرفته است، این مسئله را به وضوح می توان در جامعه، در میان جوانان مشاهده نمود، همانطور که زلفعلی فام و غفاری (۱۳۸۸) گزارش می کنند که در جامعه ما با برکنده شدن ساختارهای اساسی سنتی، قرائت نقش های اجتماعی و هویت اجتماعی دچار دگرگونی اساسی شده است و با تبعیت از کشور های توسعه یافته، نهضت های مختلف بر نهادهای جامعه و اساسی تر از آن بر آگاهی جوانان از هویت خویش تاثیر گذاشته است. این دگرگونی ها در مجموع نقش و اهمیت شکل گیری هویت اجتماعی-سیاسی را در راستای ارزش های حاکم بر جامعه و نسل های مختلف به نوعی نابسامانی هویتی ناشی از عدم جدایی کامل از هویت گذشته و اتصال کامل به هویت جدید و در نهایت شکاف بین نسلی را برای جامعه امروزی رقم زده است. آنچه پیش از این آمد تلاشی تجربی- نظری مبنی بر بررسی رابطه شکاف بین نسلی با هویت سیاسی- اجتماعی بود، تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش نشان که بین شکاف بین نسلی و هویت اجتماعی و هویت سیاسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، نتایج حاصل همسو با یافته های پژوهش اصلی و همکاران (۱۳۹۸) می باشد، چرا که در این پژوهش مشخص شد که ارتباط مستقیم بین شکاف نسلی جمعیت و هویت اجتماعی-سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز وجود دارد، در این راستا این پژوهشگران استدلال می کنند باتوجه به

یافته‌های تحقیق در این بخش میتوان گفت با اشاعه فرهنگ غربی و گسترش و دسترسی آسان به وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت، ماهواره و...، جوانان با ارزش ها و الگوهای فرهنگی متنوع و متفاوت و حتی مغایر با فرهنگ سنتی و رسمی جامعه مواجه شدند در نتیجه، نسلهای جدید به سنتهای قدیمی وفادار نمی‌مانند و نسبت به باورها و رسومی که مقدس و سنتی شمرده می‌شوند، بی توجه می‌شوند. گسست نسلها می‌تواند بر مبنای احساس بی‌نیازی و استقلال کامل باشد که در عمل نه تنها به فاصله گرفتن از یکدیگر منجر میشود، بلکه به مرزبندی و جدایی کامل می‌انجامد. در نتیجه پدیده انقطاع نسلها شکل می‌گیرد. بنابراین، تغییرات هنجارها و ایدئولوژیها به آسانی انجام می‌پذیرد. مشاهده آمارها و شواهد افزایش کجروی‌های فرهنگی در میان جوانان، دال بر گسترش و شکل گیری رفتارهای غیرمقبول و ناسازگار با هنجارهای رسمی و مورد پذیرش عموم و به دنبال آن، به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی است.

در راستای نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که در مورد پدیده شکاف بین نسلی در میان صاحب‌نظران با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما در جوامعی هم‌چون ایران، که تغییرات ساختاری و ارزشی وسیعی را تجربه می‌کند، نبود مدیریت صحیح تضادهای حاصل از این تغییرات در بخش‌های مختلف جامعه به طور بالقوه زمینه را برای بروز مسئله شکاف نسلی و در شدیدترین حالت گسستگی بین نسل‌ها و بحران هویت ناشی از این امر فراهم می‌کند. تغییرات در ابعاد هویت سیاسی - اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن؛ در میان جوانان و نوجوانان بدون شک مهمترین مسائل اجتماعی امروز جهان است که علائم آن را می‌توان در همه روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی به وضوح مشاهده کرد. ضرورت این مسائل ایجاب می‌کند که با یک برنامه ریزی صحیح و کارشناسانه بتوان از بروز مشکلاتی همچون بحران هویت در نوجوانان جلوگیری کرد و به صورت صحیح و علمی راههای شناخت و تقویت هویت را پیش پای آنان گذاشت. به نظر می‌رسد وجود دغدغه‌های فراوان در جامعه نسبت به تحکیم ارتباط بین نسلی و تحکیم ارتباط بین نسلها، گویای عدم توفیق در برنامه‌های فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی از یکسو و تأثیرپذیری متفاوت نسل اول، دوم و سوم و بهره‌مندی آنها از رسانه‌های در دسترس ازسوی دیگر است.

منابع

- ابوالحسنی، سیدرضا (۱۳۸۸)، تعیین و سنجش مولفه‌های هویت ایرانی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- افضلی، رسول، زارعی، بهار، احمدی، عباس و محسنی، سیدضیا (۱۳۹۸)، تبیین اثرات شکاف بین نسلی بر هویت اجتماعی - سیاسی دانش آموزان شهر تهران، مجلس راهبرد، ۲۶ (۹۸): ۳۰۳-۳۳۷.
- باباری، عبدالرضا و حسینی بیجی کلا، سیدابراهیم (۱۳۹۱)، شکاف بین نسلی، تهران: جهان جام جم.
- توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم (۱۳۸۵)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، ۲۷: ۱۲۴-۹۵.
- جعفری، حسنعلی و مهرداد، حسین (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین تجریحات نظام ارزشی و هویت اجتماعی دانشجویان، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۳ (۷): ۹-۲۴.
- چیت ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۶)، بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوان و مناسبات نسلی)، ۱: ۱-۲۴.
- حسین زاده، میکائیل (۱۳۸۸)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۰ (۱): ۴۹-۷۵.
- حقیقتیان، منصور، غضنفری، احمد و تکه اکبرآبادی، پروانه (۱۳۹۰)، هویت ملی و برخی عوامل موثر بر آن در بین دانش آموزان مقطع متوسطه اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲ (۱): ۷۱-۸۲.
- ربیعی، حسین (۱۳۹۷)، شکاف نسل‌ها، تهران: نشر یاقوت سرخ.

- زاهدی، محمدجواد و خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲)، نوسازی و فرایند تحول ارزش ها در حوزه خانواده (بررسی نمونه ای دگرگونی ارزش های خانوادگی در شهر بوکان)، مجله جامعه شناسی ایران، ۱۴ (۱): ۶۸-۹۷.
- زلفعلی فام، جعفر و غفاری، مظفر (۱۳۸۸)، تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۳: ۱۲۱-۱۴۰.
- سرود، مریم (۱۳۹۳)، مردم شناختی شکاف نسل ها با رویکرد نظریه مارگارت مید، تهران: نشر آپار.
- صدیق روستایی، رحمت الله و قادری، صلاح الدین (۱۳۸۸)، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مولفه های سنتی و مدرن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲ (۸): ۳۵-۶۵.
- عباسی، علی اصغر (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری هویت اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهرستان آمل، مجله تخصصی جامعه شناسی، ۱ (۳): ۱۲۱-۱۴۳.
- فرزانه، سیف اله و چراتی، عیسی (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تفاوت ارزشی (مطالعه موردی والدین و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر ساری)، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، ۲ (۲): ۱-۲۰.
- فلاحی شاه آباد، احمد (۱۳۹۳)، بازسازی معنایی ارزش های بین نسلی (مورد مطالعه شهر رودبار جنوب)، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان.
- قلی پور، آراین، محمد اسماعیلی، ندا، قلی پور، فتانه (۱۳۸۹)، مدیریت هویت؛ شناسایی راه کارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهادهای آموزشی، پژوهش زنان، ۸ (۴): ۱۲۱-۱۴۰.
- کمر بیگی، خلیل (۱۳۸۹)، شکاف نسلی و جوامع در حال گذار، بررسی و تبیین مسئله شکاف نسلی در ایلام، فصلنامه فرهنگی، پژوهشی فرهنگ ایلام، ۲۶-۲۷.
- گل محمدیان، احمد (۱۳۸۳)، جهانی شدن، هویت، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- لطف ابادی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳)، نظریه پردازان و مقیاس سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش آموزان نوجوان ایران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۵ (۱۷): ۱۷.
- مفیدی، مسعودی (۱۳۹۶)، شکاف نسلی و عملکرد خانواده، تهران: نشر راز نهان.
- موسوی، سیدعلی (۱۳۹۱)، خانواده، شکاف نسلی و رسانه ها، مجله علوم اجتماعی رسانه و خانواده، ۱ (۴): ۱-۱۰.
- میرهاشمی، مالک و حیدرپور، لیبا (۱۳۹۰)، ارتباط عوامل اجتماعی با هویت اجتماعی دانش آموزان، فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۴ (۱۲): ۱۶۷-۱۸۵.
- نیازی، محسن و کارکنان، محمد (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات ملی، ۸ (۳): ۵۵-۸۱.
- هرسیج، حسین، محمود اوغلی، رضا، عیسی نژاد، امید و رهبرقازی، محمودرضا (۱۳۹۰)، بررسی تاثیرات مصرف رسانه ای بر هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، ۲۳ (۳): ۷۵-۹۲.
- Livingstone, A. G., Spears, R., Manstead, A. S. R., and Bruder, M., (2009). Illegitimacy and identity threat in (inter)action: Predicting intergroup orientations among minority group members. *British Journal of Social Psychology*, 48; 755-775.
- Maddison, S., and Partridge, E. (2014). Agonist and Intersectionality: Indigenous Women, Violence and Feminist Collective Identity, in Lynne M. Woehrle (ed.) *Intersectionality and Social Change (Research in Social Movements, Conflicts and Change, Volume 37)* Emerald Group Publishing Limited, 42: 27 – 52.
- Snow, D.S. and Corrigall-Brown, C. (2015). Collective Identity, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, 11; 174-180.

Whiting, R.(2013). Crisis and Transformation in Modern Britain, 1945-2009: The global economy, the state, and national identity, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۷۷ □ ۱۳۸ – ۱۴۸.